

**قوله تعالی** رَبِّ اسْتَجِبْ لِیْ تَابِدَانِیْ **ه** که بنا بر این  
 اختیاری بود چرا تو کار خود بخدای تعالی رخصت نکردی  
 که وی کار سازست چنانکه خدای تعالی خبر داد در قرآن  
**قوله تعالی** وَأَقْوَضَ امْرِئِیَ الْاِلَهَ **ه** پس آنکه گفت یا جبرئیل  
 خبر بدهم چیست گفت از غم تو و از فراق تو چند آن گوی  
 کرده که بپرد و چشم ناپیدا گشته و یک خانه از اندوه  
 ساخته و در آن خانه حزن نشسته و با کسی سخن نمیگوید  
 الا از فراق تو که میگوید و یک گفت یا جبرئیل بدهم خبر  
 میسلا کرده گفت بپسندید خدای تعالی از بند تو بدو خدای  
 بدوستی گرفتن جبرئیل علیه السلام گفت **قاله من**  
**قال کلّ یومٍ احرّ سبعین شهیداً بالصبر الحیدر**  
 پس جبرئیل علیه السلام گفت ای یوسف آنکه تعالی بفرستد  
 علیه السلام ثواب هفتاد شهید میدهد پس یوسف علیه السلام  
 گفت غم نیست و بال نیست آنچه او میگوید **و لکن**  
 یوسف علیه السلام درین <sup>محل</sup> **سال** که بود سه نوبت <sup>جلیل</sup>

یک آن وقت که برادرانش در چاه می انداختند و دوم آن وقت  
 که برادرانش بخر و خشت و سیوم آن وقت که در زندانش میگردیدند  
**بنامه** اندرین هفت سال زلیخا زیاده یوسف میکرده و آن  
 زنان دست بریده که عاشق یوسف شده بودند هر روز  
 نیز ایشان چیزی می فرستادند از هر نوع و لیکن یوسف علیه السلام  
 نمیگرفت و هر طعمی که می فرستادند بندهایان قسم میگردید  
 و ایشان میخوردند و یوسف علیه السلام خود بنام مشغول  
 بودی و جبرئیل علیه السلام پیامی داد و او را تعلیم <sup>علم</sup> **تغییر**  
 کردی و گویند که بدانند **شهم** میداد **و دیگر** گویند که آنکه  
 الهام بدهان یوسف میداد و عیش **مویخت** و یوسف در زندان  
 تحصیل علم بود و تکرار علم میکرد تا هفت سال تمام شد **ه**  
 پس آنکه خدای تعالی قضا فرمود بدهان یوسف علیه السلام  
 داد تاویل خواب و لیدین **رئبان** و آن خواب دیدن  
 او سبب برون آمدن یوسف علیه السلام شد **خدا** **تعالی**  
 خبر داد **قوله تعالی** **و قال الملک انی اری سبعة**



یک